

کتاب ایوب

جلسه ۲۵: جهان در کتاب ایوب

نظم، بی‌نظمی و بی‌نظمی

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۵، جهان در کتاب ایوب: نظم، بی‌نظمی و بی‌نظمی است.

مقدمه [۲۷:۰۰-۵۸:۰۰]

حالا می‌خواهیم در مورد چگونگی تفکر در مورد جهان اطرافمان صحبت کنیم. نحوه عملکرد خدا در جهان بر اساس آنچه در کتاب ایوب به ما داده شده است، می‌باشد. ما قبلاً مفهوم بی‌نظمی، نظم و بی‌نظمی را معرفی کرده‌ایم. در اینجا کمی آن را مرور خواهیم کرد و سپس در مورد اهمیت آن در کتاب ایوب و الهیات خود صحبت خواهیم کرد.

آفرینش: نظم، بی‌نظمی و بی‌نظمی [۵۸:۰۰-۴۸:۳]

خلقت، از همه مهم‌تر، عملی برای نظم بخشیدن به کیهان بود، و باعث می‌شد همه چیز آنطور که خدا می‌خواست عمل کند. این مهمترین جنبه خلقت در جهان باستان و مسلماً در جهان ما، یعنی طرز تفکر ما نیز هست. فقط ساختن اشیاء کافی نیست. البته خدا این کار را کرد. او اشیاء را ساخت، اما قرار بود همه چیز در یک سیستم منظم که اهدافش را برآورده می‌کرد، تحت کنترل او قرار گیرد. و این فراتر از ماده است. این همان فرآیند نظم بخشیدن به خلقت است.

همانطور که اشاره کردیم، پیدایش اول با آیه دوم بی‌نظمی آغاز شد، وضعیت اولیه‌ای که در آن مواد خام وجود داشتند اما هنوز لازم بود نقش و عملکردشان طبق اهداف خدا تعیین شود. ما از مثال جعبه‌هایی که باید باز می‌شدند استفاده می‌کنیم. اتاق‌هایی که باید مرتب می‌شدند. این بی‌نظمی، باز هم بد نیست. فقط به شکل نهایی خود کامل نشده است. این یک کار در حال انجام است.

کار اولیه نظم بخشیدن به خلقت منجر به نظم کامل نشد و این نظم از پیش طراحی شده بود. دریا مکانی بی‌نظم است. بیرون از باغ، همان سطح نظم درون باغ را نداشت. اینها همه چیزهایی هستند که ما در اینجا فقط بررسی می‌کنیم. انسان‌ها آفریده شدند تا در کنار خدا کار کنند و به عنوان جانشینان خدا به تصویر او، روند نظم را ادامه دهند.

خدا به هیچ وجه قادر به دستیابی به نظم کامل نبود، یا به هیچ وجه نباید فکر کنیم که او در انجام این کار شکست خورده است. او با خرد خود، تصمیم گرفت که از طریق یک فرآیند طولانی مدت عمل کند و در طول مسیر، مردم

را به مشارکت وادارد. حتی قبل از سقوط، مردم در جهانی زندگی می‌کردند که هم با نظم مستقر و هم با بی‌نظمی مداوم مشخص می‌شد.

در سفر سوم پیدایش است که بی‌نظمی وارد صحنه می‌شود. همانطور که اشاره کردیم، بی‌نظمی منعکس‌کننده‌ی شر است و توسط مردم انجام می‌شود. ممکن است نیروهای کیهانی شر نیز وجود داشته باشند، اما بی‌نظمی در جهان تا حد زیادی به مردم گره خورده است.

بنابراین، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که با نظم، همانطور که خداوند آن را برقرار کرده است، مشخص می‌شود. اما با بی‌نظمی مداوم، که هنوز به آن پرداخته نشده و متأسفانه بی‌نظمی بر آن حاکم است، مشخص می‌شود. بنابراین، جهان اطراف ما به طور کامل از صفات خداوند برخوردار نیست. این یکی از مهمترین نکاتی است که کتاب ایوب باید در مورد جهان بیان کند.

اصل انتقام [5:06-3:48]

ایوب و دوستانش اصل انتقام را به عنوان پایه و اساس کیهان پذیرفتند، زیرا به نوعی معتقد بودند که عدالت، خداوند در جهان طبیعی دمیده شده است و جهان مطابق با صفات خداوند عمل می‌کند. اما اینطور نیست. باز هم این یک جهان سقوط کرده است. بی‌نظمی وجود دارد. بی‌نظمی همچنان ادامه دارد. عملکردهای منظم جهان منعکس‌کننده شخصیت یا صفات طبیعی خداوند نیست.

خرد و بی‌نظمی [7:39-5:06]

این خرد او بود که تصمیم گرفت به تدریج نظم را برقرار کند. اکنون او می‌تواند اراده خود را در هر زمان و به هر طریقی تحمیل کند. اما او در این کیهان قلمرویی ایجاد کرده است که در آن بی‌نظمی باقی مانده و بی‌نظمی اجازه ورود پیدا کرده است. دوباره، اصرار خود یهوه را به یاد بیاورید که باران و سیل را نباید به طور خودکار، پاسخ عدالت یا نعمت یا مجازات او دانست. باران در جایی می‌بارد که هیچ کس زندگی نمی‌کند. بلایای طبیعی، چیزهایی که ما بلایای طبیعی می‌نامیم، طوفان‌ها، سونامی‌ها، زلزله‌ها، گردبادها، خشکسالی‌ها، قحطی‌ها طاعون‌ها، بیماری‌های همه‌گیر و همچنین تجربیات ویرانگر در سطح بیولوژیکی، همگی می‌توانند به عنوان جنبه‌هایی از بی‌نظمی در جهان شناخته شوند.

برخی این نکته را مطرح کرده‌اند که برخی از این بلایای طبیعی در واقع نتایج مثبتی در اکوسیستم بزرگتر و در کیهان دارند. این تنها نشانه دیگری است که خداوند می‌تواند از بی‌نظمی برای دستیابی به اهداف منظم استفاده کند. البته، این بلایای طبیعی، همانطور که ما آنها را می‌نامیم، می‌توانند تأثیر بسیار منفی داشته باشند. خداوند می‌تواند به طور بالقوه از آنها به عنوان مجازات استفاده کند، اما ما هرگز نمی‌توانیم بدانیم که او چه زمانی از آنها به عنوان مجازات استفاده می‌کند یا چه زمانی استفاده نمی‌کند. آنها ذاتاً از نظر اخلاقی شر نیستند، اما در برابر کنترل

خداوند نیز نفوذناپذیر نیستند. اما نمی‌توان آنها را ابزاری در نظر گرفت که هر بار که آنها را می‌بینیم، در قضاوت به کار گرفته شوند. آنها مستقل از خدا عمل نمی‌کنند، اما نباید او را به عنوان کسی تصور کنیم که یک دستگاه کنترل از راه دور در دست دارد تا بفهمد کدام خانه‌ها توسط گردباد مورد اصابت قرار می‌گیرند و کدام یک قرار نمی‌گیرند. آنها مانند انسان‌ها تابع فرمان او هستند، اگرچه ما ربات نیستیم. بنابراین، هیچ کنترل از راه دوری وجود ندارد. آنها قابل فرمان هستند، تابع کنترل خداوند، اما مکانیکی نیستند.

کنترل و حکمت خدا [9:08-7:39]

بنابراین، ما در مورد کنترل خدا چه می‌آموزیم؟ اگر کیهان تابع صفات او نیست و اگر چیزهایی که ما تجربه می‌کنیم می‌تواند توسط او برای پاداش یا مجازات استفاده شود، اما نه همیشه، پس چگونه می‌توانیم در مورد کنترل خدا در جهان فکر کنیم؟

جالب است که ما در مورد اینکه چرا جاذبه در یک موقعیت خاص کار می‌کند، سؤالی مطرح نمی‌کنیم. همچنین نباید پرسیم که چرا در یک مکان باران بارید و در مکان دیگر نه. ما در مورد اینکه چرا هنگام زمین خوردن استخوان می‌شکند سؤالی مطرح نمی‌کنیم و همچنین نباید پرسیم که چرا یک نفر به دیابت یا سرطان مبتلا می‌شود و دیگری نمی‌شود. حکمت خدا در جهان به روشی که او برای آفرینش آن انتخاب کرده است، نهفته است. این حکمت را نمی‌توان در هر بیانی از جاذبه یا تقسیم سلولی یافت. حکمت او در جزئیات نیست. در روشی است که او جهان را برای کار تنظیم کرده است. درک کنترل خداوند بیشتر به سیستم کیهانی مرتبط است تا به تجربیات یا رفتار شخصی خودمان.

عدالت، نه رکن اساسی کیهان [11:09-9:08]

با این حال، این می‌تواند مردم را به این سوال سوق دهد که چرا خدا این سیستم را به این شکل طراحی کرده است؟ این سیستم همیشه برای ما عاقلانه به نظر نمی‌رسد، اما این سؤالی نیست که بتوانیم به آن پاسخ دهیم. می‌توانیم بگوییم، بر اساس کتاب ایوب، او این کار را به خاطر عدالت انجام نداده است. عدالت رکن اصلی کیهان نیست. نیروهایی که خدا در جهان قرار داده است، تشخیص‌دهنده نیستند. آنها ارادی نیستند. آنها اخلاقی نیستند و خدا همه چیز را جزئی مدیریت نمی‌کند.

در جهان، در عملکرد کیهان، چیزهای بیشتری از عدالت وجود دارد. اگر عدالت در هسته همه چیز بود، ما وجود نداشتیم. ما موجوداتی سقوط کرده هستیم. خداوند با حکمت خود، به کیهان دستور می‌دهد که به شیوه‌ای که هست عمل کند. او قادر به دخالت است. او حتی می‌تواند در امور جزئی دخالت کند، اگر بخواهد، اما این معمول نیست.

جهان در حالت سقوط خود، تنها می‌تواند با حکمت او عمل کند. ما نمی‌توانیم همه چیز را بر اساس عدالت او ارزیابی کنیم. این پیام کتاب ایوب است تا به ما کمک کند درک کنیم که جهان لزوماً آنطور که ما فکر می‌کنیم یا آنطور که باید عمل نمی‌کند. خدا، با حکمت خود، آن را تنظیم کرده است. خب، این باید ما را به این فکر بیندازد که اکنون در مورد خدا در کتاب ایوب فکر کنیم، و این بخش بعدی ما خواهد بود.

،این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۵، جهان در کتاب ایوب: نظم بی‌نظمی و بی‌نظمی است. [۱۱:۰۹]